

راهبرد اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوران ترامپ و بایدن

آزاده الفتی^{*۱}
فرزاد رستمی^۲
زینب شاهمرادیان^۳

چکیده

در «رهنامه بگین»، به هیچ رقیب اسرائیل در خاورمیانه نباید اجازه داده شود که به سلاح اتمی دست یابد. از این رو اسرائیل راهبردهای متنوعی از ابتدای مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران به کار گرفته است که توقف برنامه هسته‌ای و ممانعت از دستیابی به سلاح اتمی، فصل مشترک آن‌هاست. پژوهش حاضر پاسخگوی این سؤال بوده است که: راهبرد اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران، در دوران ترامپ و بایدن چه بوده است؟ فرضیه پژوهش در چارچوب بازدارندگی هسته‌ای و با تأکید بر دکترین بگین، چنین می‌نماید که: راهبرد اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوره ترامپ، فشار به آمریکا در جهت خروج از برجام و در دوره بایدن تلاش در جهت ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد بوده است. از این منظر، اسرائیل که برجام را ناکارآمد در مهار برنامه هسته‌ای ایران می‌دانست؛ در هم‌نوایی با ترامپ به هدف اصلی خود یعنی، خروج آمریکا از برجام رسید. در دوره بایدن اسرائیل ضمن رایزنی با طرف‌های مذاکره غربی مبنی بر اقباع آن‌ها جهت عدم احیای برجام، با تکرار ادعاهایی مبنی بر فعالیت سایت‌های مخفی هسته‌ای و دامن زدن به اختلافات پادمانی ایران و آژانس، به دنبال ارجاع پرونده هسته‌ای از شورای حکام به شورای امنیت می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها، منابع معتبر کتابخانه‌ای داخلی و خارجی می‌باشد.

واژگان کلیدی: برنامه هسته‌ای ایران، اسرائیل، ترامپ، بایدن

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

* azadeholfati.1391@gmail.com

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاه و یک، صص ۳۴-۷

مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران به ویژه از دهه ۱۳۸۰ تا کنون مورد توجه اغلب کشورهای جهان، از جمله غرب و نهادهای بین‌المللی بوده است. به رغم عضویت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ و پذیرفتن قرارداد «ان پی تی»^۲ و اعتمادسازهایی که در رابطه با صلح‌آمیز بودن این فعالیت‌ها طی سال‌های اخیر از جانب ایران صورت گرفته است و نیز مذاکرات دیپلماتیکی که در نهایت به معاهده برجام منتهی شد؛ لکن غربی‌ها همچنان با محوریت آمریکا نسبت به روند جاری برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده و خواهان شفاف‌سازی و همکاری بیشتر ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در واقع اعمال محدودیت‌های بیشتر نسبت به برنامه هسته‌ای ایران هستند. در این رابطه بیشترین موضع‌گیری‌ها و انتقادات از سوی اسرائیل بوده است. از جمله دلایل این مخالفت‌ها، گذشته از علل ایدئولوژیکی که در خصوص عدم به رسمیت شناختن این کشور از سوی ایران مطرح است می‌توان گفت وجود یک قدرت هسته‌ای در خاورمیانه و برقراری توازن هسته‌ای با تنها دارنده این قدرت در منطقه (یعنی اسرائیل) برای این کشور غیر قابل تحمل است آنچه در اینجا حائز اهمیت است، مذاکرات چند سال اخیر ایران با غرب به رهبری آمریکا است و نقشی که اسرائیل به عنوان متحد راهبردی آمریکا در خاورمیانه دارد و به دلیل این اتحاد راهبردی است که ایالات متحده از اسرائیل حمایت می‌کند. بنابراین، تعهد آمریکا به حفظ امنیت و موجودیت اسرائیل یک موضوع بدیهی است که در هر زمان و به قدرت رسیدن هر رئیس جمهوری در آمریکا در این قاعده هیچ خللی وارد نمی‌شود و شاید تنها در جزئیات تأمین این هدف تفاوت‌هایی باشد و آمریکا همواره در طی مذاکرات با ایران بر سر برنامه هسته‌ای این مهم را در نظر دارد. راهبرد اسرائیل تا پیش از ریاست جمهوری ترامپ ترکیبی از ترور دانشمندان هسته‌ای، تخریب تأسیسات هسته‌ای به صورت حملات سایبری و اقدامات خرابکارانه، مخالفت با توافق هسته‌ای و بعضاً تحرکات و اقداماتی مبنی بر حمله نظامی احتمالی به تأسیسات هسته‌ای ایران بوده است. ایده مقاله حاضرین است که راهبرد اسرائیل در قبال برنامه هسته‌ای ایران در دوران دو رئیس‌جمهور اخیر، یعنی دونالد

^۱International Atomic Energy Agency

^۲Nuclear Non-Proliferation Treaty

ترامپ و جو بایدن چه بوده است؟ فرضیه پژوهش چنین مورد واکاوی قرار خواهد گرفت که: راهبرد اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوره ترامپ، فشار به آمریکا در جهت خروج از برجام و در دوره بایدن تلاش در جهت ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد بوده است. ضمن آنکه جهت پردازش فرضیه مذکور، روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌های آن، منابع کتابخانه‌ای اعم از مقالات و سایت‌های داخلی و خارجی معتبر می‌باشد.

۹

۱. پیشینه پژوهش

در بررسی اجمالی منابع پژوهشی نزدیک به نوشتار حاضر، چندین عنوان مورد اشاره قرار خواهد گرفت از جمله: افسانه احدی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران»، به دنبال بررسی این مسأله است که چرا اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران را تهدید امنیتی برای خود تلقی می‌کند؟ این مقاله مربوط به سه سال اولیه مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی می‌باشد که بر اساس رویکرد بازدارندگی با یادآوری تنگناهای امنیتی اسرائیل در منطقه و نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای دیگر کشورها همچون لیبی، مصر، سوریه و تأکید ویژه بر ایران، به برداشت‌ها و واکنش‌های رسمی و غیر رسمی اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد و به این نتیجه ختم می‌شود که، به دلیل نگاه خصمانه ایران به اسرائیل، در صورت دستیابی به هر پیشرفتی در زمینه فناوری هسته‌ای، به عامل مهمی در تهدید هر چه بیشتر اسرائیل تبدیل می‌شود. بنابراین اسرائیل در موضعی مشترک با آمریکا، خواهان توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد. عبدالرضا فرجی‌راد و مجید نجفلوی ترکمان (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل رویکرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۱+۵ با ایران بر پایه نظریه بازی‌ها»، به تبیین این مسأله پرداخته است که از دیدگاه اسرائیل نتیجه نهایی مطلوب در مذاکرات ایران و ۱+۵ چه مختصاتی دارد و اسرائیل برای رسیدن به این خواسته مطلوب چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟ وی با پردازش این مسأله در چارچوب بازی با حاصل جمع صفر به این نتیجه می‌رسد که نتیجه مطلوب برای این رژیم توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران از طریق مذاکرات ۱+۵ است و در این رابطه اسرائیل چندین استراتژی را تا مقطع زمانی

مقاله مذکور دنبال کرده است از جمله: ترور دانشمندان هسته‌ای، حمله سایبری به تأسیسات هسته‌ای، مذاکرات با چین و روسیه، لابی در ایالات متحده و افزایش تحریم‌ها، سندسازی برای مطالعات ادعایی و بزرگ‌نمایی تهدید هسته‌ای ایران. هادی رستمی‌مراد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی امنیتی بگین و سیاست خارجی اسرائیل نسبت به کشورهای پیرامون»، پاسخگوی این پرسش بوده است که چرا اسرائیل در برخورد با کشورهای پیرامونی که به دنبال افزایش توان بازدارندگی دفاعی از روش‌های مختلف به ویژه توان اتمی می‌باشند، روشی خصمانه را در پیش گرفته است؟ وی در مقاله مذکور با اتکا به استراتژی بگین به این نتیجه می‌رسد که، اسرائیل بر اساس این استراتژی هر کشوری در پیرامون آن به دنبال افزایش توان نظامی و دستیابی به دانش هسته‌ای باشد، بر نمی‌تابد و به مقابله با آن خواهد پرداخت. وحیده احمدی (۱۳۹۵) در یک گزارش راهبردی تحت عنوان «راهبرد اسرائیل در مورد برجام»، ضمن اشاره به موضع اسرائیل به مذاکرات هسته‌ای و برجام، به سناریوهای محتمل برخورد اسرائیل با برجام در آینده می‌پردازد که از دید وی، اسرائیل به منظور اطمینان از حصول شکست برجام بر دو راه تمرکز خواهد داشت: الف) حمله نظامی محدود به ایران و ب) اقدامات غیر نظامی برای فلج کردن اجرای برجام. که از نظر وی اقدام نظامی یک فرصت از دست رفته است و راه حل دوم ابزار عملی اسرائیل در مقابل ایران خواهد بود که با توجه به پیش رو بودن انتخابات ریاست جمهوری در آن برهه از زمان، اسرائیل به دنبال فراهم شدن بستر مناسب برای پیشبرد مقاصد خود خواهد بود. در این رابطه نوآوری نوشتار حاضر نسبت به پژوهش‌های یاد شده این است که، مقاله حاضر در درجه اول، دارای چارچوب نظری تلفیقی و مکمل از نظریه بازدارندگی و مفهوم دکترین بگین که به خوبی گویای تحلیل وضعیت و راهبرد اسرائیل در قبال برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد و نکته دوم اینکه به طور ویژه به تحلیل راهبرد اسرائیل به ویژه در دو مقطع و دو دوره ریاست جمهوری در آمریکا، یعنی دوران ترامپ و بایدن پرداخته است.

۲. مفهوم بازدارندگی

بازدارندگی به معنای متقاعد ساختن حریف به اینکه هزینه‌ها و یا مخاطره‌های یک اقدام ممکن است از مزایای آن بیشتر باشد در نظر گرفته شده است (شیخ محمدی، ۱۳۹۸):

۳۶). بعد از جنگ جهانی دوم، مفهوم بازدارندگی، تنها در منع دشمن از اعمال اقدامات تجاوزکارانه خلاصه نشد، بلکه این منع، تغییر و تحول یافت تا شامل منع دشمن از فکر اقدام تجاوزکارانه یا عواملی که به او امکان چنین تفکری را می‌دهد می‌گردد. بنابراین در اختیار گرفتن بازدارنده هسته‌ای به عنوان گزینه استراتژیکی تمام هم و غم رهبری اسرائیل بود (عبدالظاهر، ۱۳۸۱: ۱۴۶). از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا کنون، افزون بر اصل «تکیه به خود برای دفاع ملی بدون وابستگی به کمک دیگران»، پژوهشگران اسرائیلی «بازدارندگی» را به عنوان ارکان اساسی رهنما امنیتی اسرائیل معرفی کرده‌اند. اسرائیل خود را قدرت حافظ وضع موجود می‌پندارد که با کنشگران تجدیدنظر طلب روبه‌روست. بازدارندگی استراتژیک اسرائیل ترکیبی از تهدید انکار (طرف مقابل در دستیابی به اهدافش شکست خواهد خورد) و مجازات (حریف برای به چالش کشیدن بازدارندگی اسرائیل هزینه سنگینی پرداخت خواهد کرد) است (لطفیان، ۱۳۹۶: ۱۹۰-۱۸۹).

اسرائیل نگران حضور یک نیروی هسته‌ای که قادر به توسعه و در نهایت داشتن سلاح‌های هسته‌ای و بالستیک است که امنیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. تنها نیرویی که این قابلیت را در منطقه دارد و توانمندی خود را نشان داده است، ایران است. با توجه به ناتوانی اسرائیل در ایجاد توازن با ایران پر جمعیت، به علاوه پیگیری ایران برای پیشرفت در فناوری هسته‌ای، که هر دو این موارد نگرانی‌هایی را برای امنیت اسرائیل در دراز مدت، ایجاد کرده است. بنابراین بازدارندگی از توانایی‌های هسته‌ای ایران به یک اولویت تبدیل شده است و الگوی توازن قوا دیگر امنیت اسرائیل را حفظ نخواهد کرد. زیرا ایران را به عنوان یک تهدید هسته‌ای بالقوه در یک سیستم چند قطبی درک می‌کند که می‌تواند امنیت منطقه‌ای آن را تهدید کند. بنابراین، در دراز مدت از مذاکرات با ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش استقبال نکرد و پیوسته با هرگونه اقدام دیپلماتیک کشورهای ۱+۵ برای رسیدگی به این موضوع مخالفت کرد (Maher, 2020: 227-232).

با این اوصاف، در صورت جدی شدن خطر ایران برای اسرائیل، این رژیم ابایی در استفاده از سلاح هسته‌ای نخواهد داشت. شایان ذکر است که تسلیحات اسرائیل به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دامنه برد آن‌ها جمهوری اسلامی ایران را در بر می‌گیرند.

بدین جهت می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی آن‌ها ایران است و اسرائیل از این تهدید نظامی علیه ایران به عنوان بخشی از استراتژی بازدارندگی‌اش استفاده کرده است (آدمی و تبریزی، ۱۳۹۸: ۲۷۷). از دیدگاه و تفکر اسرائیلی‌ها تحکیم استراتژی این کشور، دستیابی به سلاح بازدارنده یعنی سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی است. بدین جهت اسرائیل اصرار دارد که این سلاح بازدارنده، سلاحی باشد که فقط تحت اراده و خواست او باشد. بنابراین، اسرائیل برای تصاحب و تملک سلاح هسته‌ای در چارچوب سلاح بازدارنده که بر سلاح هسته‌ای استوار بود، ناچار شد پایگاه علمی متشکل از مؤسسه‌های علمی تخصصی را با هماهنگی و نظمی مشخص بنا نهد و تلاش نمود که از شرایط مناسب جهانی جهت تحقق اهداف خود بهره‌برداری نماید و از رابطه خود با نیروهای بزرگ چون آمریکا و فرانسه و غیره جهت تحقق هدف خود بهره برد. البته اسرائیل به این حد اکتفا نکرد، بلکه در جهت ایجاد فاصله عمیق بین خود و اعراب درباره امور هسته‌ای کوشید و در ۱۹۸۱، نیروگاه عراق را ویران نمود و مانع انتقال هرگونه تجارب هسته‌ای به کشورهای عربی و ورود آن‌ها به عرصه فعالیت هسته‌ای گردید (عبدالظاهر، ۱۳۸۱: ۱۹۶). اسرائیل چنین اقداماتی را در قالب مفهوم دکترین بگین علیه کشورهای منطقه که به ظن آن‌ها به دنبال احداث تأسیسات هسته‌ای و متعاقب آن دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشند، در دستور کار خود قرار داده است. بنابراین، جهت پردازش مسأله پژوهش در کنار نظریه بازدارندگی مفهوم دکترین بگین به کار گرفته شده است.

۳. دکترین بگین در مقابله با برنامه هسته‌ای ایران

در «رهنامه بگین»، به هیچ رقیب اسرائیل در خاورمیانه نباید اجازه داده شود که به سلاح اتمی دست یابد (لطفیان، ۱۳۹۶: ۱۹۱). سیاست دیرینه اسرائیل همواره بر این اصل استوار است که مانع دستیابی رقبای و دشمنان منطقه‌ای خود، به توانایی هسته‌ای شود؛ این سیاست تحت عنوان «دکترین بگین» شناخته می‌شود. نام این دکترین برگرفته از «مناخیم بگین»^۱ نخست وزیر وقت اسرائیل است که مجوز بمب باران راکتور هسته‌ای تموز عراق را در ژوئن سال ۱۹۸۱ را صادر کرد. بگین در پاسخ به این سؤال که «آیا اسرائیل

^۱ Menachem Begin

اقدامی علیه سایر کشورهای بلندپرواز هسته‌ای انجام می‌دهد؟" گفت: «اسرائیل برای نخستین بار با عراق روبرو شد. در مورد سایرین؛ وقت دیگری سراغ‌شان می‌رویم». این دکتین قبل و بعد حمله به تاسیسات هسته‌ای تموز عراق به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گرفت. «مناخیم بگین» اوایل سال ۱۹۷۹، به «مارگارت تاچر»^۱ نخست‌وزیر انگلیس در نامه‌ای نگرانی خود را از همکاری هسته‌ای پاکستان و لیبی تشریح کرد. «ایهود اولمرت»^۲ نخست‌وزیر وقت اسرائیل در سال ۲۰۰۷، مجوز حمله‌ای را صادر کرد که طی آن تاسیسات هسته‌ای «الکبر» در سوریه نابود شد. از قرار معلوم، نتانیاهو در سال ۲۰۱۰ به ارتش اسرائیل دستور داد که آماده حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران شوند، ولی با مخالفت گسترده و شدید نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و نیز نظامیان اسرائیل از این دستور عقب نشینی کرد.

البته باید در نظر داشت که مبنای دکتین هسته‌ای اسرائیل حمله غافلگیرانه می‌باشد. در مجموع از نظر سران این رژیم، ایران هسته‌ای تهدیدی وجودی علیه اسرائیل به شمار می‌رود. آن‌ها دیپلماسی و تحریم‌های اقتصادی را محکوم به شکست می‌دانند و حمله نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران را گزینه مطلوب تلقی می‌کنند (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). در این رابطه می‌توان به سابقه حملات نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای دیگر کشورها چون عراق و سوریه اشاره کرد. عملیات اپرا، عملیات غافلگیرانه‌ای که نیروی هوایی اسرائیل علیه راکتور هسته‌ای اوزیراک، عراق، در سال ۱۹۸۱ به مرحله اجرا گذاشت. در اواخر ۱۹۷۰ عراق راکتور هسته‌ای اوزیریس را از فرانسه خریداری کرد. سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل بر این باور بودند که این اقدامی در جهت تولید پلوتونیوم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای است و آخرین شانس برای انهدام آن قبل از قرار دادن سوخت در راکتور است (محمدزاده ابراهیمی و ملکی، ۱۳۸۸: ۱۹۸). در ۷ ژوئن ۱۹۸۱، هشت فروند اف-۱۶ اسرائیلی به اوزیراک حمله کردند و راکتور ۷۰ مگاواتی را در کمتر از دو دقیقه منهدم کردند ((Reiter, 2005: 357). داستان اوزیراک، قبل و بعد از حمله، مطالب زیادی برای رهبران امروزی (اسرائیل) دارد که تلاش می‌کنند سیاست‌هایی علیه ایران به کار بگیرند. در عین حال، مهم است که تمایزات را بپذیریم. ایران برنامه‌ای دارد

¹ Margaret Hilda Thatcher

² Yehuda Olmert

که حتی در اوج سال ۱۹۹۱، بسیار پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر از برنامه عراق است، اما بر خلاف صدام حسین که خواستار دستیابی به سلاح هسته‌ای بود؛ رهبران ایران بارها مخالفت خود را با سلاح هسته‌ای اعلام کرده‌اند. با این حال شباهت‌هایی دارند، مانند عراق صدام حسین، ایران مکرر خواستار نابودی یا حذف اسرائیل است. همچنین طی عملیات اورچارد که بعد از نیمه شب ۶ سپتامبر ۲۰۰۷ آغاز شد، نیروی هوایی اسرائیل منطقه دیرالزور سوریه را هدف قرار داد. بعدها مقامات وقت کاخ سفید و سیا عنوان کردند که محل مورد هدف تأسیسات هسته‌ای با اهداف نظامی بوده است، هر چند که سوریه آن را تکذیب می‌کند. بر اساس گزارش‌های خبری حمله توسط اسکادران ۶۹ نیروی هوایی اسرائیل متشکل از چند فروند اف ۱۵، اف ۱۶ و یک هواپیمای اینت صورت گرفته و تعداد دقیق آن‌ها بین ۴ تا ۸ فروند تخمین زده می‌شود. برخی شواهد حاکی از این است که نیروهای ویژه نیروی هوایی اسرائیل موسوم به شالداگ قبل از عملیات به محل مورد نظر اعزام و این محل را با پرتوهای لیزری نشانه‌گذاری کرده‌اند (محمدرزاده ابراهیمی و ملکی، ۱۳۸۸: ۲۰۱). به گفته آمریکا، «اسرائیل به این دلیل دست به این اقدام زده است که توانایی هسته‌ای سوریه را تهدیدی وجودی برای دولت اسرائیل می‌دانست» (Andrew, 2011: 6). البته ضربه زدن به ایران بسیار پیچیده‌تر از حمله به عراق یا سوریه است. تأسیسات هسته‌ای ایران بسیار پراکنده‌تر است و به خوبی محافظت شده است و جمهوری اسلامی نه تنها توانایی انتقام از اسرائیل را دارد، بلکه توانایی تهدید راکتور دیمونا را نیز دارد. بنابراین حمله به ایران به معنای یک جنگ همه جانبه است، پاسخ جمهوری اسلامی احتمالاً هم خشن و هم بلند مدت باشد (Fiore, 2011: 9).

ترور دانشمندان و کارشناسان فعال در برنامه‌های هسته‌ای کشورهای منطقه، یکی دیگر از تاکتیک‌های رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از هسته‌ای شدن کشورهای منطقه به منظور حفظ برتری نظامی خود و انحصار سلاح هسته‌ای در منطقه است. این تاکتیک از همان سال‌های ابتدایی تأسیس این رژیم با ترور نظام‌مند دانشمندان هسته‌ای مصر آغاز شد؛ سمیره موسی (۱۹۵۲)، سمیر نجیب (۱۹۶۷)، سعید بدیر (۱۹۸۹) از جمله دانشمندان مصری بودند که هدف ترور رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. در دهه هشتاد و

نود میلادی نیز دانشمندان هسته‌ای عراق و حتی دانشمندان فرانسوی و کانادایی همکار عراق تبدیل به هدف ترورهای موساد شدند. «یحیی امین المشد» دانشمند هسته‌ای مصری که در ساخت تاسیسات هسته‌ای عراق فعالیت داشت، در سال ۱۹۸۰ میلادی توسط سازمان اطلاعات و جاسوسی رژیم صهیونیستی در محل اقامتش در هتلی در پاریس ترور شد.

همچنین براساس مدارک ارائه شده از طرف موسسه خصوصی اطلاعاتی استراتفور، در زمان آماده سازی اسرائیل برای حمله هوایی به راکتور اوزیراک عراق - که تصور می‌شد عراق در آستانه تولید پلوتونیوم برای برنامه تسلیحاتی است - دست کم سه دانشمند هسته‌ای عراق به طور مرموزی کشته شدند (محمد زاده ابراهیمی و ملک، ۱۳۸۸: ۱۹۸). در بررسی اقدامات ایذایی اسرائیل علیه ایران می‌توان دوره ریاست «مئیر داگان»^۱ بر موساد را نقطه عطفی در پیگیری استراتژی بگین برشمرد. انتخاب داگان در رأس سیستم اطلاعاتی اسرائیل موجب تغییر رویکرد این رژیم نسبت به ایران گردید. وی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱، در رأس سرویس موساد قرار گرفت. داگان پس از ریاستش در ۱۱ مارس ۲۰۱۲ در مصاحبه با خبرنگار شبکه‌ای بی سی آمریکا چند اصل را برای مقابله با ایران بر می‌شمارد:

الف - حمله به ایران باید آخرین گزینه باشد.

ب - قبل از حمله باید همه گزینه‌های دیگر آزموده شود، امری که هنوز رخ نداده است. حمله به ایران قبل از آزمون گزینه‌های دیگر اصلاً درست نیست. هنوز فرصت زیادی برای آزمون گزینه‌های دیگر باقی مانده است.

ج - مسئله ایران نباید به مسئله دوجانبه میان ایران و اسرائیل تبدیل شود بلکه باید مسئله‌ای میان ایران و جهان باشد.

د - اسرائیل به هیچ وجه نباید به تنهایی علیه ایران اقدام کند بلکه باید تلاش کند که آمریکا عهده‌دار این کار شود چرا که اسرائیل اقدامات تلافی جویانه ایران را نخواهد داشت.

^۱ Meir Dagan

مرگ مشکوک اردشیر حسن‌پور از اساتید دانشگاه و از دانشمندان هسته‌ای، استادیار دانشگاه شیراز و از محققان دانشگاه مالک اشتر که در سال ۱۳۸۵ با شش روز تأخیر توسط واحد مرکزی خبر مخابره شد و علت مرگ را گازگرفتگی اعلام کرد. پس از انتشار این خبر هفته نامه انگلیسی ساندی تایمز در گزارشی اعلام کرد وی توسط موساد ترور شده است. همچنین مرگ پنج دانشمند هسته‌ای روس که در تأسیسات نیروگاه اتمی بوشهر کار می‌کردند، در یک سانحه هوایی کشته شدند. روزنامه هآرتس در گزارشی با اشاره به حادثه سقوط هواپیمای توپولف حامل برخی دانشمندان اتمی روسیه که در پروژه ساخت نیروگاه اتمی بوشهر دخالت داشتند، مرگ این افراد را به دلیل همکاری با ج.ا.ا دانست. در همین زمینه روزنامه اسرائیلی یدیعوت احارونوت^۱ با توجه به انفجار در پادگان موشکی سپاه در منطقه کرج گزارشی نوشت:

«می‌توان فضای تروریستی که در این سال‌ها علیه دانشمندان هسته‌ای ایران اعمال می‌شود را با ترور دانشمندان آلمانی که تلاش داشتند در دهه ۶۰ به جمال عبدالناصر کمک کنند، مقایسه کرد. آن دانشمندان توسط موساد ربوده و ترور شدند. اسرائیل امیدوار است با انجام چنین ترورها و اتفاقاتی در مکان‌های خطرناکی همچون حادثه روز شنبه کرج در نزدیکی تهران در دل ایرانی‌ها رعب و وحشت ایجاد کند. حسن تهرانی مقدم مسئول توسعه موشک‌های بالستیک ایران بود. او علاوه بر دوستی با محمود المبحوح که در دبی ترور شد، دوست نزدیک ژنرال محمد سلیمان (در سال ۲۰۰۸ در سوریه ترور شد) محسوب می‌شد». ترور دانشمندان هسته‌ای ایران (دکتر مسعود علیمحمدی، مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن و داریوش رضایی نژاد) از موارد مهم دیگری است که نقش موساد در این ترورها افشا گردید (رستمی مراد، ۱۳۹۳: ۲۵۱ و ۲۵۲).

از دیگر تاکتیک‌های به کار گرفته شده اسرائیل، حملات سایبری است. استاکس نت^۲ یک ویروس کامپیوتری است که در سال ۲۰۱۰ کشف شد و اعتقاد بر این است که به طور خاص برای هدف قرار دادن سیستم‌های کنترل صنعتی، مانند سیستم‌های مورد استفاده در نیروگاه‌های هسته‌ای طراحی شده است. از این ویروس برای هدف قرار دادن

^۱ Yedioth Aharonot

^۲ Stax Net

تأسیسات ایران، به ویژه تأسیسات غنی سازی اورانیوم نظیر استفاده شده است. این ویروس توانست کنترل سانتریفیوژهای مورد استفاده در غنی سازی اورانیوم را در دست بگیرد و سانتریفیوژها از کنترل خارج شوند و برنامه هسته‌ای ایران چندین سال عقب بیفتد. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران با استاکس‌نت یک رویداد مهم در تاریخ جنگ سایبری بود و آسیب‌پذیری سیستم‌های صنعتی در برابر حملات سایبری را برجسته کرد در هر صورت اسرائیل نمی‌تواند با یک ایران هسته‌ای زندگی کند. دستیابی ایران به هر نوع تجهیزات و مواد هسته‌ای با هر توجیهی برای اسرائیل قابل قبول نیست (احدی، ۱۳۸۵: ۱۸۲). نکته قابل ذکر اینکه، اسرائیل یکی از چهار کشور مسلح به سلاح اتمی است که در چارچوب معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) به عنوان دولت صاحب سلاح هسته‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود. بنابراین هدف اسرائیل از توسعه برنامه‌های اتمی کسب «تسلیحات هسته‌ای» است (کوشکی و میرحسینی، ۱۳۹۱: ۸۷).

۴. جایگاه سیاست هسته‌ای اسرائیل در دکترین امنیت ملی آن

ظهور ایران در سطح منطقه‌ای و تلاش‌های آن برای دستیابی به توانایی‌های هسته‌ای، دیدگاه امنیتی اسرائیل را نسبت به منطقه عربی تغییر داده و تل‌آویو در پی جایگزینی برخی تهدیدهای سنتی با تهدیدهای نوین شده است. در این رابطه کنفرانس هرترلیا در سال ۲۰۲۰ به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که سیاست امنیتی اسرائیل را شکل می‌دهد، بر دو نگرانی اصلی تل‌آویو متمرکز بود که یکی از آنها تولید سلاح هسته‌ای و هژمونی منطقه‌ای ایران بود. نگرانی اسرائیل این است که در صورت وقوع چنین اتفاقی، وضعیت توازن قدرت بین ایران و اسرائیل به دینامیک جدید منطقه‌ای تبدیل می‌شود که اسرائیل به شدت نگران پیامدهای آن است (برهانی و حسینی، ۱۴۰۰: ۵۴). اساس دکترین امنیت ملی اسرائیل این است که، کشورهای عربی یا غیر عربی مانند ایران مصمم به نابودی این رژیم هستند و با این باور که اسرائیل در سطح بین‌الملل هیچ متحد قابل اتکایی ندارد، باید با خود اتکایی از موجودیتش محافظت کند و به دلیل ضعف جمعیتی، جغرافیایی، اقتصادی و شمار نیروی نظامی خود را ضعیف و مطابق این دکترین امنیتی توان بازدارندگی در برابر حملات احتمالی کشورهای عربی و غیر عربی را ضروری

می‌داند. اسرائیل بازدارندگی هسته‌ای را ضامن موجودیت خود دانسته و جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه خاورمیانه را در راهبرد امنیتی خود گنجانده است. در مورد برنامه تسلیحات هسته‌ای خود نیز سیاست ابهام هسته‌ای را در پیش گرفته که با ابهام آفرینی «بازدارندگی» مؤثر به وجود بیاورد (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۴۲ و ۱۴۳).

اسرائیل بر این اساس دارا بودن سلاح هسته‌ای را نه تأیید و نه تکذیب می‌کند. رهبران اسرائیل در دهه ۶۰ بحث‌های زیادی پیرامون این موضوع انجام دادند که لحظه مناسب جهت جلوگیری از حمله دشمنی که در زمینه سلاح‌های متعارف برتری دارد چه زمانی است؟ نتیجه‌ای که از این بحث‌ها گرفته شد این بود که اسرائیل نمی‌تواند در بحبوحه جنگ و بدون اعلام قبلی از سلاح هسته‌ای استفاده کند. اگر کشوری تصمیم بگیرد تا سلاح‌های هسته‌ای داشته باشد دشمنان او باید اطلاع داشته باشند، یا حداقل نگران باشند که قابلیت هسته‌ای وجود دارد. بازدارندگی تنها زمانی مؤثر است که دشمنان به قابلیت آن آگاه و بیمناک باشند. اما اسرائیل متعهد شده بود اولین کشوری نباشد که سلاح هسته‌ای را وارد منطقه می‌کند و به این ترتیب قابلیت سلاح هسته‌ای خود را مبهم نگه داشت (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۲ و ۲۳). بنابراین، به منظور کسب اطلاعات بیشتر در مورد سیاست هسته‌ای اسرائیل، تحلیلگران و ناظران مجبور به استفاده از منابع اولیه غیر اسرائیلی هستند (ZHAO, 2022: 1).

با این حال، به طور کلی پذیرفته شده است که اسرائیل دارای سلاح هسته‌ای است، قابلیتی که خارج از چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسعه یافته است. اوایل انتظار می‌رفت که اسرائیل پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) را در سال ۱۹۶۸، امضا کند و در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸، هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل برای تصویب معاهده تشکیل جلسه داد، به معاهده رأی مثبت داد. اما با تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به چکسلواکی سابق در ماه آگوست، تصویب پیمان به تعویق افتاد و موجب تقویت نیروهای مخالف معاهده در اسرائیل شد. این مخالفت‌ها علنی و معلوم شد که اسرائیل مشکلات جدی با معاهده دارد، اما در بیان آن‌ها احتیاط می‌کند (محمدزاده ابراهیمی و ملکی، ۱۳۸۸: ۲۰۹). امنیت مسأله‌ای است که اسرائیل با آن مواجه است. اسرائیل اعلام کرده است که از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

و حفاظت در برابر تروریسم هسته‌ای حمایت می‌کند، اما خود را به ماده (۶) معاهده «ان پی تی» متعهد نمی‌داند و این کشور به عنوان یک عضو معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای نیست (تبارکی و جمالی، ۱۳۹۲: ۷۲). بدین جهت، مهم‌ترین هدف اسرائیل در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مهم‌ترین هم‌اورد منطقه‌ای، حفظ توازن بازدارندگی بوده است. بر طبق استراتژی امنیتی بگین، این رژیم باید هرگونه تهدید در محیط پیرامونی خود را قبل از عملیاتی شدن، نابود کند. مناخیم بگین با درس گرفتن از تجارب گذشته، این اصل را تا به امروز در تار و پود رژیم صهیونیستی تنیده است که این کشور نباید تحت هیچ شرایطی، تهدید در محیط پیرامونی خود را بپذیرد و همواره باید توازن بازدارندگی، مد نظر رهبران رژیم صهیونیستی باشد. آن‌ها باید، به هر قیمتی و با هر ابزاری و با نابودی نقاط تهدید در محیط اطراف خود، توازن تهدید را دوباره برقرار کنند. این استراتژی همواره چراغ راهنمای اقدامات خصمانه منطقه‌ای اسرائیل علیه ایران بوده است (فرهادی، ۱۴۰۰: ۲).

مقامات اسرائیل بر این عقیده و باور بوده و هستند که در شرایط حاکم بر خاورمیانه، تنها راه بقای آنان، برتری مطلق تسلیحاتی، مخصوصاً در حوزه تسلیحات هسته‌ای است. از طرفی یکی از اهداف اصلی بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل ایران است. از دید استراتژیست‌های اسرائیل «اسرائیل در رویارویی با ایران، چاره‌ای ندارد جز اینکه بر الگوهای سنتی بازدارندگی تکیه کند. در این صورت پیشگیری به امری اجتناب‌ناپذیر و اجباری تبدیل می‌شود». اسرائیل به دلیل نقش مهم بازدارندگی تسلیحات هسته‌ای در استراتژی امنیتی این کشور، نه تنها با برنامه هسته‌ای ایران و دیگر کشورهای اسلامی مخالف است، بلکه با پیوستن به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز به شدت مخالفت می‌کند. علت این امر، آن است که بر اساس ارزیابی کارشناسان نظامی اسرائیل، اصلی‌ترین تهدیدی که از جانب کشورهای مثل ایران می‌تواند متوجه این کشور باشد، استفاده آنان از سلاح‌های دوربرد است که می‌تواند کلاهک‌های هسته‌ای، شیمیایی و یا میکروبی نیز حمل کند (محمودی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲۵). از دید اسرائیل آزمایش هسته‌ای یا حتی نهایی شدن توانمندی ایران برای تولید سلاح هسته‌ای به معنای زلزله امنیتی در خاورمیانه خواهد بود که کانون اصلی لرزش آن در تلاویو احساس خواهد

شد. این اقدام علاوه بر شروع موج گسترده‌ای از رقابت تسلیحاتی عنان گسیخته در منطقه احتمال رویارویی نظامی ایران و اسرائیل در مرزهای سوریه و لبنان و فلسطین اشغالی را به شکلی غیر قابل مهار افزایش خواهد داد. در این رابطه در ۵ مارس ۲۰۱۲، نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل؛ در کنفرانس سیاسی سالانه کمیته مصالح عمومی اسرائیل در تشریح تهدید ناشی از جاه‌طلبی‌های ایران، خطاب به آمریکایی‌ها گفت: «ایران خواستار نابودی اسرائیل است و برای آن تلاش می‌کند، ایران امروز بدون سلاح هسته‌ای چنین رفتار می‌کند؛ تصور کنید فردا با سلاح هسته‌ای چگونه رفتار خواهد کرد؟ بی پروا تر و بسیار خطرناک‌تر (Kahl and et al, 2012: 7).

۵. راهبرد اسرائیل در قبال برنامه هسته‌ای ایران در دوران ترامپ

ترامپ در حالی بر مسند ریاست جمهوری ایالات متحده می‌نشیند که روابط واشنگتن - تل آویو در دوران تصدی اوپاما به ضعیف‌ترین شکل ممکن رسیده بود. اوپاما در آغاز ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۰۸ به تدریج حمایت از رژیم صهیونیستی را از متن به حاشیه برد و به نحوی عمل کرد که جایگاه اسرائیل از یک متحد استراتژیک به شریکی درجه دوم در اواخر دولتش تبدیل شد (سلیمی و زرگر، ۱۴۰۰: ۱۱). ترامپ در تبلیغات انتخاباتی به روشنی از عملکرد دولت اوپاما در کاهش حمایت‌ها از رژیم صهیونیستی انتقاداتی مطرح می‌کرد. وی در بدو ورود به کاخ سفید در اولین پیام خود به رژیم صهیونیستی می‌گوید: «من عاشق اسرائیل هستم، من درصدم تا پیوند ناگسستنی میان واشنگتن و تل آویو را تقویت کنم، اسرائیل تنها دموکراسی خاورمیانه است و مانند بارقه‌ای از امید برای بسیاری از انسان‌هاست» (الفتی و بهرامی پور، ۱۳۹۹: ۱۵۷). به ادعای ترامپ در تاریخ ریاست جمهوری ایالات متحده، وی بیشترین طرفداری را از اسرائیل داشته است و در سخنرانی انتخاباتی‌اش گفت: «اگر به دموکرات رأی دهید، شما نسبت به اسرائیل و یهودیان بسیار بی‌دین هستید» (Ketchell, 2020).

همچنین با روی کار آمدن دولت ترامپ، اسرائیل به تغییر مواضع و سیاست دفاعی کنشگران اصلی به نفع خود امیدوار شد. در کنفرانس خبری مشترک خود با رئیس جمهور جدید آمریکا در ۱۵ فوریه ۲۰۱۷، نتانیاها تأکید کرد که سال‌های زیادی از آشنایی وی با ترامپ و داماد یهودیش می‌گذرد؛ و اعلام کرد که هیچ پشتیبان بزرگتری از

رئیس جمهور ترامپ برای اسرائیل یا دولت یهودی وجود ندارد. از نگاه تحلیلگران امنیتی اسرائیل، سیاست خاورمیانه‌ای اوباما مبتنی بر موازنه‌گری و مدارا با ایران بود؛ حال آنکه جهت‌گیری سیاست ترامپ به طور روشن متمایل به اسرائیل و عربستان سعودی، و ضد ایران است (لطفیان، ۱۳۹۶: ۱۹۵). بنابراین اسرائیل که تا حدودی در دوران اوباما مورد بی‌مهری قرار گرفته بود در دولت ترامپ حمایت همه‌جانبه دولت وی را کسب کرد (Watanabe, 2018). بخشی از بی‌مهری اوباما به اسرائیل مربوط به توافق هسته‌ای ایران و آمریکا می‌باشد؛ پس از توافق هسته‌ای روابط بین اوباما و نتانیاها رو به سردی گرایید بطوریکه در طی سخنرانی نتانیاها در مارس ۲۰۱۵ علیه سیاست‌های باراک اوباما و قهر سیاسی وی پس از تصویب توافق هسته‌ای ایران در کنگره آمریکا، روابط طرفین بیش از پیش تیره و تار شد و به قطع دیدارهای آنان با یکدیگر انجامید (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۵۷).

دولت اوباما تلاش کرد تا ثابت کند که برجام بهترین راه حل برای اسرائیل نیز هست. اسرائیل امیدوار بود ایران را مجبور به پذیرش امتیازات سخت‌تر کند. با این حال، ایالات متحده موضع اسرائیل را تا حد زیادی نادیده گرفت، زیرا ایالات متحده نمی‌خواست در معرض خطر شکست مذاکرات باشد، که ممکن بود ایالات متحده را مجبور به حمله به ایران کند. دولت اوباما مصمم بود برای مهار و نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران به دیپلماسی تکیه کند و به دولت اوباما اجازه داد تا بر مناطق دیگر، عمدتاً شرق آسیا تمرکز کند. اما با روی کار آمدن ترامپ، مخالفت و موضع خصمانه اسرائیل و نهادهای لابی‌گر آن در آمریکا نسبت به توافق هسته‌ای ایران، شدت بیشتری به خود گرفت. بطوری‌که محورهای ثابت اظهارات نخست وزیر اسرائیل علیه برجام، اصطلاحاتی همچون «توافق بد»، «ایران سریع‌تر به سمت هسته‌ای شدن، پیش برده می‌شود» و این امنیت اسرائیل، منطقه و جهان را تهدید می‌کند» بود (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۵۸). به طور مثال آبیگ در حین مذاکرات، تلاش زیادی نمود تا مذاکرات را با قوانین مطرح شده در کنگره از ریل خارج سازند و یا وارد هر تلاشی جهت به کرسی نشاندن استدلال‌های خود در مخالفت با هر گونه توافق نهایی با ایران به ویژه از طریق افزایش تعداد پیش‌نیازها برای توافق نهایی شود (تابع افشار و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۷). ترامپ هم

که در دوران مبارزات انتخاباتی برجام را موجب هدر رفتن هزینه‌های آمریکا می‌دانست و با نگاهی ابزاری به این توافقنامه نگاه می‌کرد که آمریکا حدود ۱۵ میلیون دلار هزینه نموده و در مقابل چیزی به دست نیاورده است. و آن را یک «توافقنامه بد» خواند (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱). از دید وی توافق هسته‌ای بر قدرت منطقه‌ای ایران بدون انجام هیچ‌گونه تغییری در رفتار منطقه‌ای ایران افزوده است و این توافق به ضرر منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن بوده است. از این رو، جهت حفظ توازن قوای منطقه‌ای بهتر است توافق دیگری با ایران صورت گیرد که ابعاد گسترده‌تری از مهار نقش منطقه‌ای ایران را شامل شود (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

از طرفی، اسرائیل هم که سال‌ها از آمریکا خواست رویکرد سخت‌تری را در قبال ایران در پیش گیرند، از تصمیم خود مبنی بر توافق هسته‌ای با تهران منصرف نشوند؛ و زمانیکه دونالد ترامپ با این رویکرد اسرائیل هماهنگ شد بسیار خوشحال شدند (Toosi, 2020). اسرائیل برجام را نه عاملی در جهت افزایش ثبات منطقه از رهگذر رفع خطر جنگ که به عنوان عاملی در جهت افزایش فاکتورهای قدرتی ایران در منطقه و عاملی در جهت افزایش تهدید ایران می‌پندارند. اسرائیل با بزرگنمایی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید و سرچشمه ناامنی برای خود تصور نموده و با هویت‌بخشی به آن، به عنوان یک دشمن که به دنبال نابودی اسرائیل است، اقدامات خاصی را در نظر گرفته و با تعریف یک موقعیت استثنایی، برجام را بر علیه موجودیت خود و مهار برنامه هسته‌ای ایران ناکارآمد دانسته و سعی در جهت کارشکنی و ترغیب ایالات متحده، جهت خروج از آن اقدام نمود (زمانی و نیاکویی، ۱۳۹۸: ۱۰۶ و ۱۰۹). پس از ناکامی تلاش‌های اسرائیل در راستای رد توافق هسته‌ای درکنگره آمریکا، خطوط جدیدی به خط مشی سیاسی این رژیم وارد شد، که به صورت آشکار در دیدار آبان ماه نتانیاهو از آمریکا بازتاب یافت. نقطه کانونی این خط‌مشی جدید، پذیرش ناگزیرانه تصمیم کاخ سفید و تلاش برای مدیریت تنش‌ها در چند ماه باقی مانده دولت اوپاماست. البته این روند با تلاش برای دستیابی به امتیازات نظامی و نیز لابی با نخبگان سیاسی همسو با اسرائیل در نهادهای مختلف آمریکا به ویژه کنگره برای مانع تراشی در اجرای برجام همراه بوده است (ضرغامی خسروی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۸). به همین دلیل در جریان مذاکرات

هسته‌ای ایران و ۵+۱ در دولت اوباما، هرگاه نشانه‌ای از توافق میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده به وجود می‌آمد و شاهد اعتراض مقامات اسرائیلی بودیم. لابی‌های یهودی از جمله فعال‌ترین مخالفان توافق هسته‌ای غرب با ایران بودند و در آستانه توافق هسته‌ای، نتانیاہو، نخست وزیر اسرائیل، با انتقاد از مذاکره با ایران و اینکه غرب به هر قیمتی در صدد معامله هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران است تأکید کرد که با وجود این، ما متعهد به ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستیم. در نهایت اسرائیل دولت ترامپ را برای خروج از برجام متقاعد کرد که در ۳۰ آوریل ۲۰۱۸ نتانیاہو، طی یک کنفرانس خبری از مقرر وزارت دفاع اسرائیل، مدعی شد که دستگاه جاسوسی موساد، مقادیر زیادی از اسناد آرشیو برنامه هسته‌ای ایران را از یک محله‌ای در تهران سرقت کرده است که آن را مهم‌ترین دستاورد اطلاعاتی تاریخ اسرائیل معرفی کرد. بر این اساس، ترامپ اعلام کرد که سخنانی نتانیاہو نشان داد که انتقاد او (ترامپ) از توافق هسته‌ای موجه بوده است و کشورش در ۸ می ۲۰۱۸ رسماً و به طور یکجانبه از برجام خارج شد (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۵۲ و ۵۸). لازم به ذکر است، از آنجایی که هدف اسرائیل مهار و نابودی فعالیت هسته‌ای ایران به هر طریق ممکن می‌باشد، لذا به یک راه و طریق خود را محدود نکرده و به فرض مثال در کنار تلاش جهت خروج آمریکا از برجام، دست به اقدامات خرابکارانه و انفجار در تأسیسات هسته‌ای چون حادثه نطنز در مردادماه ۱۳۹۹ و نیز ترور دانشمند هسته‌ای محسن فخری‌زاده در آذرماه ۱۳۹۹ زد.

۶. راهبرد اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران در دوران بایدن

پیش از ورود به مبحث راهبرد اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران در دولت بایدن، ذکر این نکته ضروری است که، تمام رؤسای جمهور آمریکا اعم از دموکرات یا جمهوری خواه علیرغم فراز و فرود در روابط آمریکا - اسرائیل، تعهدات همه جانبه‌ای در قبال امنیت اسرائیل و برتری کیفی این کشور از منظر تسلیحات نامتعارف بر همسایه‌های آن پذیرفته‌اند. جو بایدن، سیاستمدار کهنه کار از جناح میانه حزب دموکرات و حامی سنتی اسرائیل بوده است. او در اولین تماس تلفنی خود با نتانیاہو بر تعهد خدشه‌ناپذیر آمریکا بر امنیت متحد خود، اسرائیل تأکید کرد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۵ و ۵۹).

در ابتدا اهداف سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا در دولت بایدن را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. جلوگیری از اشاعه هسته‌ای در منطقه،
۲. مهار و کنترل تنش‌ها و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه در راستای تأمین منافع ملی آمریکا،
۳. حفظ موازنه منطقه‌ای در خاورمیانه به نفع متحدین آمریکا،
۴. تأمین و حفظ امنیت اسرائیل و احیاء و پیگیری سیاست دو دولت مبنی بر تشکیل دولت فلسطین در کنار اسرائیل.

در این چارچوب اهداف سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نیز عبارتند از: جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای؛ مهار و محدودسازی توان موشکی و قدرت نفوذ منطقه‌ای ایران و تغییر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع و اهداف منطقه‌ای و جهانی آمریکا. در این رابطه، اولویت نخست بایدن، مهار برنامه هسته‌ای ایران به عنوان پیش‌نیاز و زمینه‌ساز تأمین سایر اهداف آمریکاست (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۴۰). بنابراین، سیاست خارجی بایدن در قبال اسرائیل روشن است و دولت بایدن به حمایت از اسرائیل ادامه خواهد داد (Jiang, 2021: 90). از دیدگاه ایالات متحده، اسرائیل باید در جریان مذاکرات بین دولت بایدن و ایران از بمباران ایران (تاسیسات هسته‌ای) اجتناب می‌کرد. حملات سابق اسرائیل، به راکتور هسته‌ای عربی، در عراق سال ۱۹۸۱ و سوریه در سال ۲۰۰۷، جنگی را به همراه نداشت، اما دولت بایدن نمی‌خواست ریسکی را بپذیرد که خیلی زیاد به نظر می‌رسید. دولت بایدن به دیپلماسی، گفتگو همراه با تحریم‌ها متکی بود تا ایران محدودیت‌های سخت‌گیرانه را بیش از آنچه در برجام بود، بپذیرد. اما در نهایت دولت بایدن ممکن است مجبور شود با نسخه مشابهی از برجام مصالحه کند.

در سال ۲۰۲۱، جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا گفت که «اگر ایران دوباره به توافق برجام پایبند باشد، ایالات متحده به توافق باز می‌گردد...» تجدید دیپلماسی در ابتدا امیدوارکننده به نظر می‌رسید، اما پس از شروع و توقف مذاکرات، مشخص نیست که آیا طرفین می‌توانند به توافق برسند یا خیر؟ (Robinson, 2022). اما تابستان امسال

(۱۴۰۱) همزمان با افزایش احتمال توافق، تلاش‌های رژیم صهیونیستی جهت اعمال فشار بر دولت بایدن برای جلوگیری از لغو تحریم‌ها بیش از پیش شد. بدین منظور ایال خولاتا^۱ رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل به امریکا سفر و با جک سالیوان^۲ مشاور امنیت ملی کاخ سفید و وندی شرمن معاون وزیر خارجه امریکا دیدار کرد. هدف این سفر اعلام ناراضی‌تبی رژیم از توافق بر اساس پیش نویس مرداد ماه بود. در همین راستا لاپید^۳ مراتب ناراضی‌تبی خود را نیز به کشورهای اروپایی منتقل کرده است. برای مثال وی ۳۱ مرداد ماه در گفتگوی تلفنی با امانوئل مکرون^۴ ادعاهای واهی خود مبنی بر تلاش ایران برای مجهز شدن به سلاح هسته‌ای را تکرار کرد. سوم شهریورماه نیز بنی گانتز^۵ وزیر دفاع رژیم صهیونیستی برای اعمال فشار و به شکست کشاندن توافق به امریکا سفر کرد. همچنین لاپید ۱۱ شهریورماه به آلمان سفر کرد و با مقامات این کشور درباره برنامه هسته‌ای ایران گفتگو کرد. مجموعه این فشارها از طرف رژیم صهیونیستی یکی از دلایل تعلل در پاسخ‌دهی امریکا و سردرگمی آن‌ها در مقابل خواسته‌های به حق ایران بوده است. در همین راستا لاپید، سوم شهریورماه ادعا کرد که «آمریکایی‌ها بعد از تقاضای رژیم صهیونیستی موضع سخت‌گیرانه‌تری برای توافق اتخاذ کرده‌اند» (فلاحی، ۱۴۰۱: ۱۸).

همچنین ۱۰ شهریورماه ۱۴۰۱، بیش از ۵۰۰۰ مقام امنیتی سابق رژیم صهیونیستی با امضای نامه‌ای خطاب به جو بایدن رئیس جمهور امریکا، از وی خواستند توافق جدیدی با ایران امضا نکنند. آن‌ها در نامه مذکور مدعی شدند توافق برای امنیت امریکا، اسرائیل و جهان به دلایل بسیار فاجعه بار است. این نامه از سوی «انجمن دفاع و امنیت اسرائیل» مأموران ارشد همه شاخه‌های نیروهای مسلح این رژیم، آژانس‌های امنیتی و اجرای قانون، محققان، دانشگاهیان و ... را شامل می‌شود. به ادعای این انجمن، «احیای توافق به ایران راه قانونی شفاف برای دستیابی به سلاح اتمی تا سال ۲۰۳۱ می‌دهد و هیچ ابزاری برای ممانعت از آن به امضا کنندگان ارائه نمی‌کند. به ادعای آن‌ها این توافق باعث

^۱ Eyal Kholata

^۲ Jacob Jeremiah Sullivan

^۳ Yair Lapid

^۴ Emmanuel Jean-Michel Frédéric Macron

^۵ Benny Gantz

مسابقه هسته‌ای منطقه‌ای می‌شود که کشورهای مثل مصر، عربستان سعودی و ... را مجبور می‌کند برای کاهش تهدید ایران یا این سلاح‌ها را توسعه دهند یا به دست آورند». به تعبیر ماکس سینگر^۱، از کارشناسان مرکز مطالعات راهبردی بگین-سادات، «اسرائیل سه راه برای مقابله با ایران دارد: راه اول، عملیات‌های مخفی همچون حمله ویروسی استاکس‌نت را در دستور کار قرار دهد. دومین راه تلاش در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی و راه سوم؛ حمله نظامی علیه ایران را عملیاتی سازد». که از نظر وی فرصت حمله نظامی و ضربه زدن به تأسیسات هسته‌ای از دست رفته است (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۲). با این اوصاف، به نظر می‌رسد اسرائیل از راه حل دیپلماتیک و هر راه حلی که غنی‌سازی اورانیوم جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد واهمه داشته و بر نمی‌تابد. در واقع مطلوبیت انتظاری و ایده‌آلی اسرائیل برای فرجام مذاکرات ۱+۵ با ایران در چیزی شبیه مدل لیبی است که غرب توانست سرانجام با فشارهای وارده قذافی را وادار کند تا با تسلیم شدن و نابودی منابع و تجهیزات هسته‌ای خود در مقابل موفقیت کامل غربی‌ها، شکست کامل را پذیرا شود (فرجی‌راد و نجف‌لوی ترکمان، ۱۳۹۳: ۴۴ و ۴۵). ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳، در بیانیه‌ای مشترک با ایالات متحده و انگلیس؛ لیبی به طور علنی از تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی (NBC) چشم‌پوشی کرد و موافقت کرد که خود را به در اختیار داشتن موشک‌های بالستیک با برد حداکثر ۳۰۰ کیلومتر محدود کند.

بنابراین، لیبی در سال ۲۰۰۳ برنامه هسته‌ای خود را متوقف کرد و همه امکانات مورد استفاده در غنی‌سازی اورانیوم را با بسته بندی از کشور خارج کرد. و به انواع معاهدات تحمیلی تن دادند. در مدل مذاکره با لیبی، آمریکایی‌ها تمام تأسیسات هسته‌ای لیبی را جمع‌آوری کردند و عملاً لیبی را در موضع تسلیم قرار دادند. علاوه بر این مردم لیبی به دلایلی از جمله دلایل اقتصادی موافق برجینش تأسیسات هسته‌ای خود بودند. همین عامل و تا حدود زیادی تحریم‌ها باعث شدند، حکومت لیبی تصور خود را نسبت به سلاح‌های هسته‌ای به عنوان ابزاری برای کسب پرستیژ و برتری منطقه‌ای تغییر دهد و حرکت به سمت هسته‌ای شدن را به مثابه عاملی برای کاهش امنیت خود ببیند (درویشی

^۱ Singer

سه‌تالانی و صاحبی، ۱۳۹۴: ۴۴). در کنار این‌ها اسرائیل تلاش می‌کند تا به همراه اعراب به اجماع و تعهد منطقه‌ای قوی‌ای با هدف مشترک مقابله با توانایی‌های نظامی ایران دست یابد، در حالی که در کوتاه مدت مشارکت کامل اعراب و اسرائیل علیه ایران بعید است. اسرائیل سخت در تلاش است تا اجماع منطقه‌ای قوی‌تر و تعهد به هدف مشترک بررسی توانایی‌های نظامی تهران ایجاد کند. ادغام متعلقات نظامی اعراب، اسرائیل و ایالات متحده در منطقه در حوزه‌های پدافند هوایی و موشکی، امنیت دریایی و نیروهای عملیات ویژه، قابلیت‌های جدیدی را برای بازدارندگی ایران فراهم می‌کند. حتی اگر چنین طرحی در عمل نتایج اندکی داشته باشد، برای اسرائیل این ویژگی را دارد که اگر در آینده به حملات پیشگیرانه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران اقدام کند، چنین ادغام دفاعی‌ای به محدود کردن پاسخ تلافی‌جویانه ایران کمک خواهد کرد (Bahgat&Divsallar,2022). در این راستا می‌توان گفت اسرائیل به طور مداوم با تکرار ادعاهایی مبنی بر امکان و تأسیسات اعلام نشده هسته‌ای از جانب ایران، به دنبال دامن زدن به اختلافات پادمانی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز دامن زدن به PMD^۱ (ابعاد نظامی احتمالی) پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران به جهت اقناع آژانس، کشورهای اروپایی و آمریکا در راستای ممانعت از احیای برجام و نهایتاً گامی در جهت ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام به شورای امنیت و ذیل فصل هفت منشور ملل متحد می‌باشد.

به دنبال این ادعاها و تلاش‌ها و رایزنی‌های مذکور مقامات اسرائیل بود که، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۴۰۱، با مطرح کردن مکرر ادعای وجود سایت‌های مخفی هسته‌ای در ایران در جلسه‌ای غیر علنی با صدور قطعنامه‌ای ضد ایرانی از تهران خواست در تحقیقات مربوط به اورانیوم در سه سایت مخفی و اعلام نشده همکاری کند. این دومین قطعنامه علیه ایران در سال جاری پس از ماه ژوئن است و دلیل هر دو هم از دید آژانس یکی است: عدم وجود پاسخ‌دهی «معتبر» ایران به لحاظ فنی» در مورد آثار اورانیوم یافت شده در سه سایت اعلام نشده. این قطعنامه در مرحله فعلی اهمیتی نمادین دارد اما ممکن است مقدمه‌ای باشد برای کشاندن

^۱ Possible Military Dimensions

اختلاف ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و احتمال اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران. احتمال و گزینه کشاندن ایران به شورای امنیت توسط لورا اس. اچ هولگیت 'سفیر آمریکا در آژانس مطرح شده است. وی گفته است: «ایران باید بداند که اگر برای حل این مسائل همکاری نکند، شورا اقدامات بیشتری انجام خواهد داد». در راهبردهای پیشابرجامی جاسوسی از ایران رکن بسیار مهمی بود که پس از برجام با شدت بیشتری استمرار یافت. اسرائیل به دنبال آن بود تا از ظرفیت‌ها و امکاناتی که اجرای برجام و تعهدات فراپروتکلی آن برای بازرسی و نظارت از مراکز حساس در اختیارش قرار داده است، استفاده لازم را ببرد. از این رو، رژیم صهیونیستی از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلاش کرد تا پایگاه‌های داده خود را درباره مراکز حساس، نهادها، دانشمندان، تکنولوژی‌ها، تجهیزات و زیرساخت‌های ایران در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی، دفاعی و سایر عرصه‌های حیاتی تکمیل کند (عوض‌پور، ۱۳۹۶: ۳۸). و امروز نیز تلاش دارد در ممانعت از احیای برجام و مذاکرات جدید و نیز فشار به شورای حکام و دیگر طرف‌های مذاکره؛ پرونده هسته‌ای را به شورای امنیت کشانده و بنا به اصل دکترین بگین، رقیب هسته‌ای خود را از دور خارج کند. البته باید مجدد یادآور شد که اصل دکترین بگین مبتنی بر اقدامات غافلگیرانه می‌باشد و این خطر همواره وجود دارد که اسرائیل هر آن دست به اقداماتی چون ترور دانشمندان و انفجار و تخریب در تأسیسات هسته‌ای ایران بزند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که راهبرد اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوران دونالد ترامپ و جو بایدن چه بوده است؟ نتایج حاصله از پژوهش جهت پاسخگویی به پرسش فوق حاکی از آن است که اسرائیل بازدارندگی هسته‌ای را ضامن امنیت خود دانسته و این مهم را در قالب دکترین بگین، مبنی بر اینکه؛ هیچ کشوری در خاورمیانه نباید به سلاح اتمی دست یابد و اسرائیل هرگاه در این رابطه احساس خطر کرده است، دست به ترور دانشمندان و تخریب تأسیسات رقیب زده است؛ پیگیری نموده است. که به مثال‌هایی در این باره اشاره شد از جمله: بمباران

¹ Laura S.H Holgate

تأسیسات هسته‌ای تموز عراق و انهدام راکتور هسته‌ای اوزیراک، حمله به تأسیسات هسته‌ای الکبر در سوریه، ترور دانشمندان مصری، عراقی، ایرانی و حتی دانشمندان همکار در این کشورها همچون دانشمندان فرانسوی، کانادایی، روسی و ... همزمان با مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه کشورهای ۵+۱ در دوران اوباما که اسرائیل علی‌رغم بدبینی نسبت به این مذاکرات نتوانست دولت اوباما را از توافق با ایران باز دارد؛ بنابراین سعی کرد با لابی‌گری و فشار، بیشترین امتیاز از ایران گرفته شود. اما از آنجایی که توافق برجام نتوانسته بود انتظارات اسرائیل را برآورده کند و حق غنی‌سازی اورانیوم برای ایران به رسمیت شناخته شده بود؛ این هراس برای اسرائیل وجود داشت که در چارچوب این توافق فاکتورهای قدرت ایران در منطقه افزایش یابد. بنابراین با روی کار آمدن ترامپ، اسرائیل راهبرد فشار به آمریکا در جهت خروج از برجام را در پیش گرفت و از آنجایی که ترامپ با اسرائیل در این زمینه هم‌نوا بوده و برجام را یک توافق بد و موجب هدر رفتن هزینه‌های آمریکا می‌دانست، لذا اسرائیل توانست آمریکا را متقاعد به خروج از برجام کند. با روی کار آمدن بایدن و تلاش دولت وی جهت از سرگیری مذاکرات و به نحوی احیای برجام، مجدداً واهمه‌ای برای اسرائیل ایجاد شد و مقامات اسرائیل رایزنی‌های بسیاری در جهت اقناع کشورهای اروپایی و به ویژه آمریکا در عدم بازگشت به برجام و یا تلاش در جهت مطرح کردن مواردی فراتر از برجام در رابطه با تحرکات منطقه‌ای ایران و برنامه موشک‌های بالستیک در پیش گرفتند. بدین جهت اسرائیل با استناد به اسناد جاسوسی خود با تکرار ادعاهایی مبنی بر وجود سایت‌های مخفی و اعلام نشده هسته‌ای از جانب ایران، سعی دارد به اختلافات پادمانی ایران و آژانس دامن زده و پرونده هسته‌ای ایران را از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد و همانطور که اشاره شد اسرائیل دنبال چیزی شبیه به مدل لیبی است و فشارهایی که غرب بر لیبی وارد کرد و قذافی را وادار به تسلیم و پذیرش شکست و نابودی منابع و تجهیزات هسته‌ای خود در مقابل موفقیت کامل غربی‌ها کرد.

در پایان لازم به یادآوری است که با عبرت گرفتن از تجربیات گذشته در کاربرد دگرترین بگین از جانب اسرائیل نسبت به کشورهای پیرامون از جمله ایران و با توجه به چند

بعدی بودن کاربرد این دکترین در بازدارندگی برنامه هسته‌ای ایران و به کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای متفاوت (فشار به طرف‌های مذاکره با ایران جهت امتیازگیری بیشتر، تلاش جهت اقناع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به بازرسی‌های سخت‌گیرانه‌تر از تاسیسات هسته‌ای ایران با ادعای فعالیت سایت‌های مخفی و اعلام نشده، حملات سایبری به سایت‌های هسته‌ای کشور، تخریب و خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای و نیز ترور افراد مرتبط و دانشمندان هسته‌ای کشور) در ممانعت و توقف فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی؛ به منظور مقابله با این مقوله و جلوگیری از تکرار حوادث گذشته، رعایت یک سری موارد ضرور می‌باشد از جمله: تقویت زیرساخت‌های سایبری و کاهش آسیب پذیری هر چه بیشتر در این حوزه، حفاظت بیشتر از اسناد هسته‌ای و مقابله با عوامل نفوذی و جاسوسی، محافظت بیشتر از افراد مرتبط و دانشمندان این حوزه، به کارگیری سیاست خارجی تنش‌زدایی در منطقه جهت ممانعت از هم‌سویی رقبای منطقه‌ای با اسرائیل و نیز تدبیر بیشتر در فرایند مذاکرات در همسو کردن طرف‌های مذاکره ضمن افزایش و حفظ قدرت چانه‌زنی در مذاکرات.

منابع

- احمدی، افسانه، (۱۳۸۵)، «اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال سیزدهم، شماره‌های ۲ و ۳، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- احمدی، وحیده، (۱۳۹۵)، «راهبرد اسرائیل در مورد برجام»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال نوزدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۷۱.
- احمدیان، قدرت. رستمی، فرزاد و چراغی، حمیدرضا، (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی مفهوم منازعه در سامانه فکری باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال تحولات جهانی»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، شماره ۵۴.
- الفتی، آزاده و بهرامی‌پور، فرشته، (۱۳۹۹)، «سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ و بازآفرینی سیاست منطقه‌ای اسرائیل»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۴۴، صص ۱۶۹-۱۵۳.
- آدمی، علی و تبریزی، زینب، (۱۳۹۸)، «تأثیرات بازدارندگی ایران و اسرائیل بر امنیت منطقه‌ای آسیای غربی»، **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)**، سال دهم، شماره ۱، صص ۲۶۹-۲۸۷.
- اسماعیلی، مصطفی، & نوری، ولی‌الله. (۱۴۰۰). سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: بررسی سیاست دموکرات‌ها. **سیاست جهانی**، ۱۰(۴)، ۲۵۹-۲۸۴.
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن منطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال بیست و یکم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۸۲.
- برهانی، سید هادی و حسینی، سید حامد، (۱۴۰۰)، «راهبرد امنیت ملی اسرائیل در مواجهه با تهدیدهای محیط پیرامونی»، **فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، سال سوم، شماره هفتم.
- تبارکی، مریم و جمالی، حمید رضا، (۱۳۹۲)، «چالش‌ها و موانع انعقاد معاهده منطقه‌ای خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا**، شماره هفدهم، صص ۵۵-۸۸.
- تابع فشار، ساناز. برزگر، کیهان. سجادپور، سید محمدکاظم و عراقچی، سید عباس، (۱۳۹۸)، «نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا (با تمرکز بر مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱)»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره هشتم، شماره سوم، پیاپی بیست و نهم، صص ۳۲-۷.
- جوانشیری، امیرصدرا و بصیری، محمد علی، (۱۳۹۸)، «مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ با تأکید بر توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۶۱-۳۱.

درویشی سه‌تانی، فرهاد و صاحبی، وجیهه، (۱۳۹۴)، «بررسی رویکرد احزاب سیاسی اسرائیل نسبت به برنامه هسته‌ای ایران مطالعه موردی: حزب لیکود و کادیما»، **نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، شماره ۱۴، صص ۲۱-۴۸.

رادفر، فیروزه و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال بیست و سوم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۹۰. رستمی مراد، هادی، (۱۳۹۳)، «استراتژی امنیتی بگین و سیاست خارجی اسرائیل نسبت به کشورهای پیرامون»، **بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی**، دوره سوم، سال یازدهم، شماره ۳۹.

زمانی، محسن، نیاکویی، سید امیر، (۱۳۹۸)، «واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده امریکا از برجام»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۲۰-۹۵.

فرجی‌راد، عبدالرضا و نجف‌لوی ترکمان، مجید، (۱۳۹۳)، «تحلیل رویکرد اسرائیل در قبال مذاکرات ۱+۵ با ایران بر پایه نظریه بازی‌ها»، **نشریه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۹، صص ۶۴-۲۹.

فلاحی، احسان، (۱۴۰۱)، «علل و ابعاد سردرگمی آمریکا در روند مذاکرات هسته‌ای»، **نشریه گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)**، صص ۱۴۸۱-۱۴۵۴.

سلیمی، جلال‌الدین و زرگر، افشین، (۱۴۰۰)، «رویکردهای امنیتی دولت ترامپ در خاورمیانه با تأکید بر ناسیونالیسم اقتصادی»، **نشریه دانش تفسیر سیاسی**، شماره ۹، صص ۲۵-۱.

شیخ‌محمدی، علیرضا، (۱۳۹۸)، «چهره تازه بازدارندگی هسته‌ای روسیه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۰۸.

عبدالظاهر، محمود سعید، (۱۳۸۱)، «گزینه هسته‌ای اسرائیل و چشم‌انداز صلح خاورمیانه: انتخاب هسته‌ای اسرائیل، امکانات-کاربردها (مفهوم استراتژی در اختیار گرفتن سلاح هسته‌ای از جانب اسرائیل)، ترجمه محجوب‌الزویری، **فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکا شناسی - اسرائیل شناسی**، جلد دوازدهم، صص ۱۹۰-۱۴۳.

ضرغامی خسروی، سمیرا، ذاکریان، مهدی، برزگر، کیهان و کاظمی زند، سید علی اصغر، (۱۳۹۹)، «تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال ۱۶، شماره ۴(۶۴)، صص ۸۶-۶۷.

کوشکی، محمدصادق و میر حسینی، فرشته، (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۱۳، صص ۱۲۷-۸۱.

لطفیان، سعیده، (۱۳۹۶)، «دیدگاه راهبردی اسرائیل و برآورد تهدید امنیتی آن برای خاورمیانه»، **نشریه سیاست**، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۲۰۰-۱۷۹.

محمدزاده ابراهیمی، فرزاد و ملکی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «اسرائیل و انحصار هسته‌ای در خاورمیانه»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره ۹.

محمودی، مرتضی. شیرواند، صارم و ادیب سرشکی، میلاد، (۱۳۹۴)، «امنیت ملی اسرائیل و استراتژی
تدید نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، دوره ۷، شماره ۲۷،
صص ۲۳۱-۲۰۹.

ملکی، محمدرضا و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل»،
فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۰.

ملکی، محمدرضا و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، (۱۳۹۹)، «چشم انداز صلح در خاورمیانه در سایه عادی
سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، **فصلنامه مطالعات بین المللی**، سال ۱۷، شماره ۳(۶۷)، صص
۴۵-۶۴.

۳۳

نیکو، حمید و سویلی، مرتضی، (۱۳۹۶)، «جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در دکترین امنیتی رژیم
صهیونستی»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۷۱-۱۳۷.

Andrew, Garwood-Gowers, (2011), "Israel's Airstrike on Syria's Al Kibar Facility: A Test Case for the Doctrine of Pre-emptive Self-Defense?", *Journal of Conflict and Security Law*, 16(2), pp. 263-291. This file was downloaded from: <https://eprints.qut.edu.au/43862/>

Bahgat, Gawdat & Disabler, Abdo Rasool, (2022), Israel's new Iran strategy complicates regional security, at: <https://www.mei.edu>.

Eilam, Ehud, "How Israel Tried to Stop Iran's Nuclear Program", <https://www.thekcis.org>.

Fiore, Massimiliano, (2011), "Israel and Iran's Nuclear Weapon Programme: Roll Back or Containment?", *Istituto Affari Internazionali, IAI WORKING PAPERS*.

HART, JOHN and N. KILE, SHANNON, (2005), "Libya's renunciation of nuclear, biological and chemical weapons and ballistic missiles", **SIPRI Yearbook 2005: Armaments, Disarmament and International Security**.

Jiang, Zhiyu, (2021), "Biden's Middle East Policy: Inheritance and Changes Ketchell, Misha, (2020), "Biden and Trump agree on strong US-Israel relations – Sanders, not so much", Available at: <https://theconversation.com>.

Kahl, Colin H., Dalton, Melissa G. Irvine, Matthew, (2012), "Risk and Rivalry Iran, Israel and the Bomb", <https://www.files.ethz.ch/isn/144190/CNAS>.

Maher, Nora, (2020), "Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East", **Review of Economics and Political Science** Vol. 8 No. 3, 2023 pp. 226-245 Emerald Publishing Limited e-ISSN: 2631-3561 p-ISSN: 2356-9980 DOI 10.1108/REPS-06-2019-0085.

Ramberg, Bennett, (2012), "Osirak and Its Lessons for Iran Policy", <https://www.armscontrol.org>

Reiter, Dan, (2005), "PREVENTIVE ATTACKS AGAINST NUCLEAR PROGRAMS AND THE "SUCCESS" AT OSIRAQ", *Nonproliferation Review*, Vol. 12, No 2, July 2005 ISSN 1073-6700 print/ISSN 1746-



- 1766 The Monterey Institute of International Studies, Center for Nonproliferation Studies DOI: 10.1080/10736700500379008
- Robinson, Kali, (2022),” What Is the Iran Nuclear Deal?”, <https://www.cfr.org>.
- Trump's Middle East Policy” **International Conference on Public Relations and Social Sciences.**
- Toosl, Nahal, (2020), "Trump's Mideast allies duck Iran confrontation", Available at: <https://www.politico.com>
- Watanabe, Lisa, (2018), "Trump's Middle East Policy", **CSS Analyses in Security Policy**, No.233, pp. 1-4.
- ZHAO, PIETER, (2022),” Deterrence and Ambiguity: Motivations behind Israel's Nuclear Strategy”, <https://www.e-ir.info/2022/11/20/deterrence-and-ambiguity-motivations-behind-israels-nuclear-strateg>.

۳۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
روابط بین الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سی‌ونهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی پنجاه

و یکم، زمستان

۱۴۰۲